

در این مقاله، می خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که: حجاب برای چیست؟ آیا حجاب، با آزادی و شرکت در امور مختلف منافات دارد؟

برای پاسخ به این سؤال باید حجاب را از نظر قرآن و به طور کلی اسلام بررسی نمود، سپس به ارتباط میان حجاب و آزادی پرداخت.

الف) حجاب در قرآن

واجب بودن حجاب برای زنان از ضروریات دین مبین اسلام است. واجب بودن حجاب از نظر قرآن، گفتار پیامبر(ص) و امامان معصومه(ع) نیز به حکم عقل و اجماع رأی فقها و علمای اسلام امری ثابت است. در قرآن، حدود چهار آیه به واجب بودن حجاب دلالت دارد. اما در مورد حفظ عفت و پاسداری از حریم آن، بیش از ده آیه در قرآن وجود دارد.

چهار آیه ای که بر وجوب حجاب برای زنان دلالت دارد عبارتند از آیه: 30 سوره نور، 59، 33 و 23 سوره احزاب، که به هر کدام اشاره می کنیم.

آیه 30 سوره نور:

«وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...»

ای پیامبر! به زنان باایمان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نسازند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهران شان و سایر افراد محرم شان...». در این آیه به پنج موضوع اشاره شده است:

1- زنان باید دیدگان خود را از نگاه به نامحرم فرو خوابانند.

2- زنان باید دامن خود را از هر نوع عامل بی عفتی حفظ نمایند.

3- زنان باید زینت خود را جز آن مقدار که به طور قهری طبیعی است، پنهان سازند.

4- زنان باید روسری های خود را بر گردن و سینه بیفکنند.

ابن عباس در معنی این جمله می گوید: «یعنی زن باید مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بیوشاند.» (1)

5- زنان باید زینت خود را جز برای افراد محرم آشکار نسازند.

آیه 59 سوره احزاب:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو جلباب ها (= روسری های بلند) خود را بر خویش افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تاکنون خطا کرده اند توبه کنند). خداوند همواره آمرزنده مهربان است.»

این آیه علاوه بر تصریح حجاب، به یکی از فلسفه های حجاب که عدم آزار از ناحیه مزاحمهاست اشاره نموده است.

آیات 32 و 33 سوره احزاب:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا. وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ»

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید، پس به گونه هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید (و در خانه های خود بمانید) و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.»

انواع پوشش

شهید مطهری در مورد انواع پوشش می نویسد:

«استفاده زنان از روپوش های بزرگ که بر سر افکنده اند، دو جور بوده است: یک نوع صرفاً جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است همان گونه که در عصر حاضر، بعضی از بانوان چادری را می بینیم که چادر داشتن آنها صرفاً جنبه تشریفاتی دارد؛ با چادر هیچ جای بدن خود را نمی پوشانند، بلکه آن را رها می کنند. وضع چادر بر سر کردن شان نشان می دهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان نامحرم نیستند و از اینکه مورد بهره برداری چشم ها قرار بگیرند، امتناعی ندارند.

نوع دیگر بر عکس بوده و هست که زن آنچنان با مراقبت، جامه های خود را می گیرد، و آن را رها نمی کند که نشان می دهد که اهل عفاف و حفاظ است. خودبه خود دوربازی ایجاد می کند و ناپاک دلان را مأیوس می سازد.»⁽²⁾

در کل از این آیه نتیجه می گیریم که: زنان باید با پوششی گشاد و بزرگ، سر و سینه (بدن) را بپوشانند به گونه ای که مورد تهییج هوسبازان و مزاحمت آنان قرار نگیرند.

فلسفه و علل حجاب

برای بررسی علل حجاب باید به چند مورد اشاره کرد، سپس به فلسفه حجاب و پوشش می پردازیم:

1- چشم چرانی مردان و خودآرایی زنان

در مرد غریزه جنسی بسیار قوی می باشد که او را به شدت به زن علاقه مند می کند. اگر این غریزه کنترل و اشباع نگردد،

موجب انحرافات و پیامدهای ویرانگر خواهد شد. اگر هیچ کنترلی در این غریزه نباشد، و مردان آزاد و بی بند و بار باشند، به چشم چرانی می پردازند. به دنبال چشم چرانی، ارتباط های نامشروع و فسادهای دیگر هویدا می شود.

از سوی دیگر، زنان میل به خودآرایی و تمایل به نمایش خود و ظرافت های بدن شان دارند و اگر عفت درونی و کنترلی نباشد، تا جایی پیش می روند که می خواهند عریان باشند.

اگر در جامعه ای عفت و پوشش توسط زنان رعایت نگردد، دود آن به چشم همگان خواهد رفت و زمینه سازی برای بسیاری از جرایم ایجاد خواهد شد. زن چون از ظرافت بیشتری برخوردار است در صورت واقع شدن در محیط بی قانون، که حاکمیت عقل و منطق در آن ضعیف باشد، مورد ستم قرار می گیرد. حجاب و پوشش مانند سدی است که جلوی ظلم و ستم و تجاوز به حقوق زن را می گیرد.

اگر غریزه خودآرایی زنان مهار نشود، زن به سمت زرق و برق های کاذب، با پوشش های نامناسب می رود، که او را به سمت پوچی و بیهودگی زیستن می برد و سرانجامش جز گمراهی و تباهی و پاشیدگی کانون های گرم خانواده نیست.

2- حفظ حرمت و کرامت زن

زن در شرافت و حقوق و شخصیت انسانی با مردان برابر است. پس نباید به او همانند یک کالای تبلیغاتی برای جلب مشتری نگاه کرد. حجاب عاملی است که جلوی این نگاهها را می گیرد؛ نیز مانع از هم پاشیدگی خانواده ها می شود. اگر به دستاوردهای درخشان قوانین اسلام توجه نمی کنیم، لاقلاً از ضرر و زیان خانمانسوز بی بند و باری عبرت بگیریم.

حجاب موجب جلوگیری از اشاعه فحشا و منکرات در جامعه می شود. چه بسیار خانواده هایی که بر اثر فساد متلاشی شده اند و چه بسیار کودکانی که به همین دلایل بی سرپرست گشته اند.

آمارهای تکان دهنده جرم و جنایت، و گسترش فساد بر اثر برهنگی و بی بند و باری جنسی می باشد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمَنَةِ نِسْوَةٌ كَاشَفَاتُ عَارِيَاتٍ مَتَبَرِّجَاتٍ، مِنْ الدِّينِ خَارِجَاتٍ، فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٍ، مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ، مُشْرَنَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَحِلَاتٌ لِلْمَحْرَمَاتِ، فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ» (3)

در آخرالزمان که بدترین زمان هاست، زنان بی حجاب و برهنه آشکار می شوند که با زینت و آرایش بیرون می آیند. آنان از مرز دین خارج شده اند، و در فتنه ها وارد گشته اند، و به سوی شهوت ها تمایل و شتاب دارند. حرام ها را حلال می کنند و سرانجام در دوزخ گرفتار عذاب ابدی خواهند شد.»

زن مسلمان تجسم حرمت و عفت در جامعه است. حفظ پوشش، احترام نهادن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاههای ناپاک است. چنانچه زن حدود را رعایت نکند، هر بیمار دلی در او طمع نموده و با نگاه آلوده اش حریم زن را می شکند. شخصیتی که باید سالم بوده و نسل سالم را تربیت نماید، تحت تأثیر دیده های آلوده به گناه، به طرف شهوت سوق داده شده، هویت خود را فراموش می کند و در چنگال بیمار دلان و هوسبازان گرفتار می شود، چنان که از منش انسانیت سقوط کرده و به گرداب حیوانیت فرو می رود.

3 - جهاد با نفس و خواهش های نفسانی

میل به خودنمایی و خودآرایی در سرشت زن (بنا به مصالحی) نهفته است که باید در مسیر درست و هدفی والا قرار گیرد. اگر این میل در زن درست به کار گرفته شود ثمرات مطلوبی داشته و در جهت کمال او کارآمد خواهد بود و در فراهم آوردن محیطی مناسب همراه با زندگی اش سودمند خواهد شد. هیچ میل و گرایشی در انسان بی هدف و بی جهت قرار داده نشده است. اگر گرایش ها حد و مرزی نداشته باشند، فساد آفرین خواهند شد، و در ایجاد ناهنجاری در جامعه تأثیر خود را

خواهند گذاشت. پوشش، مهم ترین عامل تعدیل و کاهش این میل می باشد. امام علی(ع) می فرمایند: «زكاةُ الجمال، العفافُ زکات زیبایی، عفاف است.»

زیبایی زن یک نوع سرمایه است که باید بجا و درست مصرف شود. زکات این زیبایی، پوشش و عفاف است. امتناع از جلوه گری در مقابل نامحرم، موجب کنترل این غریزه و حفظ حریم شده، با خواهش های نفسانی زن و مرد مبارزه می شود. وقتی زن خود را در مقابل خواهش های نفسانی بیمه نمود و خویش را کنترل کرد، زمینه برای رشد تعالی زن فراهم می شود و موجب تهذیب نفس زن و به طور کلی اجتماع خواهد شد و زن می تواند جامعه را بسازد.

جواز حضور در اجتماع

کنار گذاردن زنان، نادیده گرفتن حضور فعال نیمی از جامعه می باشد. عدم استفاده از نظرات کاری آنان موجب انتقال مسئولیت شان بر نیمه دیگر جامعه می شود. هر گاه نیمه دیگر از این مهم به خوبی بر نیاید، جامعه دچار رکود و ازهم پاشیدگی می شود.

اگر زنان با خودآرایی و فریبایی وارد جامعه شوند، جامعه به فساد و تباهی کشیده خواهد شد که ضرر آن بیشتر است چون جامعه را از درون متلاشی نموده، زمینه را برای تسلط دشمنان دین فراهم می آورد. پس چه باید کرد؟ از یک طرف نمی توان حضور نیمی از انسان ها را که می توانند بار سنگینی از جامعه بردارند نادیده گرفت، از طرف دیگر نباید جامعه را به فساد و تباهی کشاند آن هم با حضور هوس انگیز زنان.

راه حل این است که زنان با پوشش درست، هم جواز حضور در اجتماع را پیدا کنند و هم از فساد و تباهی جامعه جلوگیری شود.

زنان با استفاده از پوشش مناسب اسلامی و حفظ شئون خویش می توانند در تمام زمینه ها (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ...) وارد جامعه شده و بسیاری از امور را حتی بهتر از مردان انجام دهند.

اسلام با طرح پوشش زنان، جواز حضور آنان در جامعه را فراهم ساخته و با دستورهای حکیمانه و راهگشایی که در باره منش و روش زن ارائه داده است، از یک سو، از تباه شدن این نیروی عظیم و بی هدف رها شدن آن جلوگیری کرده، از سوی دیگر، از فساد گسترده و ناهنجاری هایی که از اختلاط زن و مرد ناشی می شود، جلوگیری کرده است.

همه افراد در مقابل سلامت جامعه مسئولیت دارند اما مسئولیت مهم تر و بزرگ تر بر دوش زن هاست. همان طور که از دامن زن، مرد به معراج می رود، می تواند بر عکس هم باشد، یعنی در صورت رواج فساد توسط زنان، جامعه به تباهی کشانده می شود.

امنیت زایی حجاب

جامعه موظف است امنیت را در تمام ابعاد مختلف فراهم سازد و بخش مهمی از آن به عهده زن است که با حفظ پوشش به آن جامه عمل ببوشاند. در سایه رعایت عفاف است که زن می تواند به راحتی وارد جامعه گردیده و فعالیت کند و خطری هم متوجه او نگردد.

رابطه حجاب با اصل آزادی

برخی بر این گمان هستند که حجاب موجب سلب حق آزادی که حق طبیعی بشر است می شود و نوعی توهین به حیثیت

انسانی زن به شمار می رود. آنها می گویند: احترام به حیثیت و شرف انسانی یکی از موارد اعلامیه جهانی حقوق بشر است. هر انسانی چه زن و چه مرد می تواند آزاد باشد، حال تابع هر مذهبی باشد.

اجبار زنان به داشتن حجاب و محدود ساختن آنان، بی اعتنائی به حق آزادی ایشان و اهانت به حیثیت انسانی آن و در واقع ظلم فاحش به اوست! زن را اسیر و زندانی کردن به هیچ وجه نباید واقع شود و این ظلم است و باید از میان برود.

پاسخ شبهه:

در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد. حجاب در اسلام یک وظیفه است که بر عهده زن نهاده شده است که در برخورد با نامحرم باید کیفیت خاصی از پوشیدن توسط زن مراعات شود. این وظیفه از جانب مرد به زن تحمیل نمی شود؛ همچنین با حیثیت و کرامت زن منافاتی ندارد؛ نیز تجاوز به حقوق او نیست و با حقوق طبیعی که خدا برای زن مقرر کرده، در تضاد نمی باشد.

اگر رعایت پاره ای مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که روش خاصی را در پیش بگیرند و طوری عمل کنند که آرامش دیگران را برهم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند، چنین مطلبی زندانی کردن یا بردگی نیست و منافی حیثیت زن و نفی آزادی وی نمی باشد. در کشورهای متمدن جهان نیز یک سری محدودیت ها وجود دارد مثلاً اگر مردی پا برهنه یا با لباس خواب از خانه خارج شود و حتی اگر با پیژامه بیرون آید، پلیس او را منع کرده و به عنوان عمل خلاف حیثیت اجتماعی وی را جلب و زندانی می کند.

پس هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی، افراد را ملزم می کند در معاشرت اسلوب خاصی را رعایت کنند مثلاً با لباس کامل بیرون بیایند، چنین چیزی نه بردگی است و نه زندانی کردن و نه ضد حیثیت انسانی است، چنان که ظلم و ضد عقل نیست.

پوشیده بودن زن در حدودی که اسلام معین کرده، نه تنها موجب کاهش حیثیت اجتماعی او نیست بلکه موجب کرامت و احترام بیشتر زن می گردد زیرا او را از تعرض افراد فاقد اخلاق مصون نگه می دارد.

شرافت زن اقتضا می کند هنگامی که از خانه خارج می شود، متین و باوقار راه برود، نیز پوشش او به گونه ای باشد که موجب تحریک و تهییج دیگران نشود و عملاً مرد را به انحراف دعوت نکند. نباید زن به سخن گفتنش آهنگ خاصی بدهد که بیمار دلان در او طمع کنند.

اسلام به زنان می گوید دو مسئله را رعایت کنید تا ایمن باشید:

1- پوشیده باشید.

2- به گونه ای راه نروید و سخن نگویند که تحریک آمیز باشد. (4)

دستورها، به مصلحت زن است تا با امنیت بیشتر از خانه خارج شده و به آنجا برگردد.

رابطه حجاب و آزادی

طرفداران برهنگی و کشف حجاب، برای عدم پذیرش حجاب، دست به توجیه و استدلال می زنند و اشکالاتی مطرح کرده اند که موجب تردیدهایی گشته است که به طرح چند نمونه می پردازیم:

1- برخی می گویند انسان چه زن و چه مرد، آزاد آفریده شده و آزادی، مفهوم مقدسی است که همگان طرفدار آنند، ولی حجاب و پوشش اسلامی، دست و پا گیر بوده و زنان را منزوی و پرده نشین کرده، در نتیجه از مواهب آزادی محروم بوده اند. می گویند: خداوند در نهاد بشر غرایز بسیاری از جمله «غریزه جنسی» نهاده است، که نباید آنها را سرکوب کرد، بلکه باید با کمال آزادی، این غرایز را اشباع نمود و گر نه موجب عقده و بیماری های روانی در افراد می شود.

ولی روشن است هر چیزی دارای حدی است. آیا انسان آزاد است که غذای مسموم بخورد یا نصف شب طبل بزند و همسایه ها را بیدار نماید؟

قطعاً آزادی دارای حد و مرز است. آزادی ای مقدس است که موجب ضرر و زیان و سلب آزادی و آسایش دیگران نشود.

2- می گویند: زنان نیمی از جامعه هستند و باید دوش به دوش مردان به کارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... پردازند. صحیح نیست که جامعه را از نیمی از نیروی انسانی خود محروم کرده و آنها را به انزوا کشید. حجاب عامل مهمی برای به انزوا کشیدن زنانی است که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند. حجاب دست و پا گیر بوده و زنان را از فعالیت های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... باز می دارد.

درست است که زنان نیمی از اعضای فعال جامعه هستند و باید در تمام صحنه‌ها تلاش داشته باشند، ولی پوشش اسلامی (حجاب) در حدی که آنان را از تلاش در صحنه‌های کار و فعالیت باز دارد، دست و پاگیر نیست، زیرا حجاب به معنی پرده نشینی نیست بلکه به معنی پوشش معقول است.

زن می‌تواند با لباس‌های بلند و پوشش کامل اسلامی به تلاش برای زندگی بهتر بپردازد و در مواردی که چادر لباس برتر و پوشش عالی‌تر است در صحنه ظاهر شود.

3- می‌گویند: حجاب و پوشش زن، موجب فاصله انداختن میان زن و مرد شده، مردان را به زنان حریص تر می‌کند و آتش تمایلات آنها را شعله‌ورتر می‌کند چرا که «الانسان حریص علی ما منعاً»

انسان نسبت به چیزی که از آن ممنوع شده، حریص است.»

این اشکال، نوعی مغالطه است، چون پوشش در اسلام به معنی محرومیت زن و مرد از اشباع غریزه از راه صحیح نیست تا موجب عطش بیشتر و ناهنجاری گردد. اگر آنچه که اسلام در مورد آسان‌گیری در ازدواج فرموده، اجرا شود، غریزه از راه صحیح اشباع شده و اشکالی پدید نمی‌آید.

علل گسترش بدحجابی

چرا بدحجابی در جامعه گسترش یافته است؟! علل آن چیست و چگونه می‌توان با آن مبارزه نمود؟

1- تلاش استعمار در مبارزه با پوشش اسلامی:

حجاب، هویت و شخصیت زن مسلمان می‌باشد. حجاب جلوی فساد و فساداندیشی را می‌گیرد. زدودن حجاب از زن، با هدف هویت زدایی از زن مسلمان است، تا زن بیشتر در خدمت آمال و آرزوها و اهداف و هوس‌های سلطه‌جویان قرار گیرد. مبلغان

و بنیان بی حجابی در ایران، در این مورد معتقدند:

«در مسئله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر، مشتاق شوند.»

باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس متداول شده و مطلقاً سنت اسلام نیست...».

سپس تأکید می کند که پس از زوال حجاب، مأموران جوانان را به سوی روابط ناپسند با زنان غیر مسلمان سوق دهند و آنان نیز بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند.⁽⁵⁾

طرح عمومی کشف حجاب در کشورهای اسلامی و حضور خانواده های رؤسای وابسته به نظام های استکباری به صورت نیمه عریان و استفاده از مدهای گوناگون و نمایش در انظار، نمونه ای از تلاش استعمار جهت پوشش زدایی برای رسیدن به اهداف یادشده بود.

امام خمینی(ره) به انگیزه های استعمارگران و کشف این توطئه اشاره دارد، آنجا که می نویسد:

«ما می دانیم که این سخنان برای کسانی که با خیانتکاری و شهوت پرستی و آواز و نواز و رقص و هزار جور مظاهر فسوق و بی عفتی بار آمدند خیلی گران است.»

البته آنان که تمدن و تعالی مملکت را به لُخت شدن زن ها در خیابان ها می دانند و به گفته بی خردانه خودشان با کشف حجاب، نصف جمعیت مملکت کارگر می شود، حاضر نیستند مملکت با طرز معقولانه و در زیر قانون خدا عمل و اداره شود.

آنهايي که این قدر قوه تمیز ندارند که کلاه لگنی را که پس مانده درندگان اروپاست، ترقی کشور می دانند، با آنها ما حرفی نداریم که آنها از ما سخن خردمندانه را بپذیرند و عقل و هوش و حس آنها را اجانب دزدیده اند...».⁽⁶⁾

اما بر خلاف تلاش های مذبوحانه استعمار، زنانی در سایه پوشش و عفاف به صحنه اجتماع آمدند تا با ستمگران مبارزه کنند، از جمله:

«زینب پاشا، فرزند شیخ سلیمان، دهقان بی چیز، رهبر زنان تبریز، گروهی داشت با اسلحه های سرد و گرم در مجامع حاضر می شدند و مردم را به مبارزه تشویق می کرد. یک بار به جمع مردان گفت:

اگر شما مردان جرئت ندارید جزای ستم پیشگان را کف دست شان بگذارید، اگر می ترسید که دست غارتگران و دزدان را از مال و ناموس و وطن خود کوتاه کنید، چادر زنان را سرتان کنید و در کنج خانه بنشینید و دم از مردی و مردانگی نزنید. ما جای شما با استکبار می جنگیم.» (7)

2- دگرگونی ارزش ها

اسلام زن را در متن اجتماع به تلاش و کوشش خوانده اما با حُجَب و رعایت پوشش اسلامی. اسلام حیا، وقار، متانت، شکوه گفتار و سلامت کردار را برای انسان ارزش دانسته است. اسلام، حجاب را جزئی از شخصیت زن تلقی می کند. وقتی این ارزش ها دگرگون شود و زن خودآرایی و نشان دادن زیبایی ها و خودنمایی را ارزش بداند، گرایش درونی به فسادآفرینی پیدا می کند.

3- الگوهای نادرست

انسان فطرتاً الگوپذیر است. وی پیوسته به ارزش هایی باور دارد و می خواهد همواره از آنها الگو بسازد. مسئله الگو در اخلاق اسلامی

و روانشناسی امروز جایگاه مهمی دارد. قرآن، پیامبر گرامی اسلام(ص) را به عنوان الگو و اسوه حسنه معرفی می نماید. پس انسان می خواهد خود را همانند الگوها سازد. قهرمان سازی و الگوآفرینی انحرافی برای زن در جهت زدودن هویت او، از برنامه های استعمار بوده است. این مسئله باید به طور جدی بررسی گردد.

4- خلاءهای درونی

انسان به سبب ناهنجاری های شخصیتی که دارد، همواره سعی در جبران کمبودها می نماید. کمبودهای عاطفی در دوران خردسالی، گاه در بزرگسالی (اگر راهنمایان درستی نباشند) انسان را دچار بحران های عمیق عاطفی و شخصیتی می کند. با بررسی چگونگی برخورد دختران و زنان در مسئله پوشش به این نتیجه می رسیم که برخی خودآرایی و خودنمایی را

جزئی از شخصیت تلقی کرده و سعی در جایگزینی جاذبه های کاذب با آن را دارند.

راههای مبارزه با بدحجابی و بیحجابی

1- تقویت اعتقادات و ایمان

انسان ها باید همواره ایمان عمیق به خداوند داشته باشند. ایمانی که با هیچ کدام از لذات دنیوی گسسته نگردد. در نتیجه زن، خودآرایی و خودنمایی را بسیار زشت تلقی کند و خود را در برابر این امور بزرگ ببیند.

علیه (ج) فرمود: «المرءُ بایمانِهِ؛ شخصیت انسان در گرو باورهای مذهبی اوست.» (8)

«و المؤمنُ بعملِهِ؛ و ایمان انسان در عمل او جلوه گر است.» (9)

چگونه کسی می تواند ادعا کند که مسلمان است اما به اصول آن معتقد نباشد و آن را امری زاید و در حصار و بند کردن خود تلقی نماید؟!!

پس عالی ترین نقش در کیفیت زندگانی انسان، باورهای درست و ایمان است.

2- احیای فرهنگ اصیل اسلامی

احیای ارزش های اصیل اسلامی و شناساندن آن به زن مسلمان و تعقل در آن، نیز کشف راههای باوراندن بهتر آن به زن، از راههای مبارزه با بدحجابی است. وقتی زن مسلمان بداند آنچه که اسلام به او عرضه کرده، ارزش است و به صلاح اوست، قلب و جان خود را از هر نوع آلودگی پیراسته می سازد و هنگامی ارزش والای خود را دریابد، هرگز تن خود را آراسته نکرده و ظاهر خود را فریبده نمی کند و خود را در مقابل چشمان نامحرمان قرار نمی دهد.

3- شناساندن الگوهای والا و برتر

همان طور که گفتیم الگو در ساختار روحی و رفتاری انسان، به ویژه زنان مؤثر است. زندگانی حضرت زهرا(س) و فرزند گرانقدرش، پیام آور عاشورا، حضرت زینب کبرا و دیگر چهره های والای تاریخ گذشته و معاصر، باید به زنان نشان داده شود تا ببینند با حفظ عفاف و حجاب به چه مقاماتی می توانند دست یافته و هویت و شخصیت خود را حفظ کنند تا همانند این الگوهای گرانقدر گردند.

مروری بر بیانات امام خمینی

در پایان به دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی(ره) در مورد حجاب و آزادی می پردازیم.

امام در مورد خدمتی که اسلام به زن نموده است می فرماید:

«مع الاسف زن در دو مرحله مظلوم بوده است: یکی در جاهلیت زن مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان و زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید ... در یک موقع دیگر در ایران ما زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق و شاه لاحق بود. با اسم اینکه زن را می خواهند آزاد کنند، ظلم ها کردند به زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند.

... به اسم آزادی «آزاد زنان» و «آزاد مردان» آزادی را از زن و مرد سلب کردند ... زن را مثل عروسک پایین آوردند. در صورتی که زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان ها پیدا می شوند.» (10)

«ای زن های محترم، بیدار بشوید، توجه کنید بازی نخورید، گول این شیاطین را که می خواهند شما را به میدان بکشند نخورید، اینها فریبنده اند ...، به اسلام پناه بیاورید، اسلام برای شما سعادت ایجاد می کند.» (11)

«آن آزادی که آنها می خواستند برای مملکت ما، آن آزادی است که هم جوان های پسر ما را و هم جوان های دختر ما را به تباهی می کشد. آن آزادی را آنها می خواهند، که من از این تعبیر می کنم به آزادی وارداتی، آزادی استعماری؛ یعنی یک آزادی که در ممالکی که می خواهند وابسته به غیر باشد، این آزادی ها را سوغات می آورند.»

«تا این خانم ها توجه شان به این است که فلان مُد باید از غرب به اینجا بیاید، فلان زینت باید از آنجا به اینجا سرایت بکند، تا یک چیزی آنجا پیدا می شود اینجا هم تقلید می کنند، تا از این تقلید بیرون نیاید، نه می توانید آدم باشید و نه می

توانید مستقل باشید. اگر بخواهید مستقل باشید، اگر بخواهید شما را به اینکه یک ملتی هستید بشناسند و بشوید یک ملت، از این تقلید غرب باید دست بردارید. تا در این تقلید هستید، آرزوی استقلال نکنید...» (12)

«اسلام زن را مثل مرد در همه شئون دخالت می دهد. همه ملت ایران، چه زنان و چه مردان باید این خرابه ای که برای ما گذاشته اند، بسازند. ایران با دست مرد تنها درست نمی شود، مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازد.» (13)

«اسلام می خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی دهیم که زنان ما فقط شیء برای مردان، آلت هوسرانی باشند.» (14)

«امروز غیر روزهای سابق است ... امروز باید خانم ها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند. عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند.» (15)

امام در مورد شرکت زنان با پوشش اسلامی در صحنه های مختلف می فرماید:

«زنان در انتخاب فعالیت و سرنوشت و همچنین پوشش خود با رعایت موازینی آزادند و تجربه کنونی فعالیت های ضد رژیم شاه نشان داده است که زنان بیش از پیش، آزادی خود را در پوششی که اسلام می گوید یافته اند.» (16)

نتیجه اینکه:

اسلام با طرح حجاب، سعی در سالم سازی جامعه، ایجاد امنیت برای زنان و جلوگیری از هوسرانی و گسترش فساد در جامعه دارد. منظور اسلام، منزوی کردن زنان نیست بلکه امن ساختن جامعه برای آنان است تا زمینه فعالیت گسترده ایشان فراهم آید. امید است که زنان جامعه ما با توجه به این امر مهم و توجه به روح و حکمت احکام اسلام، به فعالیت های سالم در جامعه ادامه دهند.

منابع:

- زن از دیدگاه امام خمینی(ره)، چاپ چهارم، 22 بهمن 61.

- یزدی، حسین، آزادی از نگاه شهید مطهری، تهران، صدرا، 1379.

- محمدی اشتهاردی، محمد، حجاب بیانگر شخصیت زن، انتشارات ناجا، قم، بی تا.

- سیمای زن در کلام امام خمینی(ره)، چاپ دوم، انتشارات اداره ارشاد اسلامی، پاییز 1365.

- فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، زمستان 73.

- شهید مطهری، فلسفه حجاب، قم، بی تا. و... چگونه کسی می تواند ادعا کند که مسلمان است اما به اصول آن معتقد نباشد و آن را امری زاید و در حصار و بند کردن خود تلقی نماید؟! پس عالی ترین نقش در کیفیت زندگانی انسان باورهای درست و ایمان است.

پی نوشتها:

1 - مجمع البیان، ج 7، ص 138.

2 - مطهری، مسئله حجاب، ص 176 و 175.

3 - وسائل الشیعه، ج 14، ص 19؛ من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 125.

4 - حسین یزدی، آزادی از نگاه استاد مطهری، تهران: صدرا، 1379، ص 248.

5 - قره العین، درآمدی بر تاریخ بی حجابی در ایران، ص 40.

6 - کشف الاسرار، ص 223-224.

7 - جزوه سازمان امور استخدامی کشور، به نقل از کتاب زنان ایران در جنبش مشروطه، ص 42.

8 - غررالحکم و دررالکلم، ج 1، ص 62.

9 - همان، ص 61.

10 - پیام به مناسبت روز زن، 26/2/58.

11 - همان.

12 - به مناسبت 17 شهریور، 17/6/58.

13 - در جمع بانوان قم، 13/12/57.

14 - مصاحبه با دکتر «جیم کوککر رفت» استاد دانشگاه روتکرز امریکا، 7/10/57.

15 - در جمع شرکت کنندگان ایرانی در کنفرانس نیمه دهه زن در کپنهاک، 19/6/58.

16 - مصاحبه با الیزابت تارگورد، خبرنگار روزنامه انگلیسی گاردین، 10/8/57.

پدیدآورنده: فاطمه سادات باقی پور